



۱۳۱۸۰۱



دانشکده حقوق

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل

موضوع:

اصلاحات در شورای امنیت با نظر خاص بر حق وتو

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر سید جمال سیفی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر هدایت الله فلسفی

دانشجو:

سید مهدی چهل تنی

سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷

۱۳۱۸۰۱

تقديم

الحمد لله الذى جعلنا من المتمسكين بولايه على ابن ابيطالب و الائمه المعصومين من ذريته (صلوات الله عليهم اجمعين). اين تلاش مختصر را به محضر سيدنا و ولينا الاعظم، ولى عصر عجل الله تعالى فرجه الشريف تقديم مى نمايم.

تقدیر و تشکر

اکنون که به یاری خداوند متعال و راهنمایی اساتید گرانقدر این پایان‌نامه به پایان رسیده است، لازم می‌دانم از جناب آقای دکتر سیفی به عنوان استاد راهنما و جناب آقای دکتر فلسفی به عنوان استاد مشاور این پایان‌نامه که با راهنمایی‌های علمی و دقیق خود مرا در هرچه بارورتر نمودن این پایان‌نامه یاری رساندند، تشکر و قدردانی نمایم. همچنین از دوست عزیزم جناب آقای حاتمی که در اتمام این پایان‌نامه مرا یاری رساندند، صمیمانه تشکر می‌نمایم.

نام خانوادگی: چهل تنی

نام: سید مهدی

دانشکده: حقوق شهید بهشتی

رشته تحصیلی: حقوق بین الملل

نام استاد راهنما: دکتر سید جمال سیفی

تاریخ فراغت از تحصیل:

عنوان پایان نامه: اصلاحات در شورای امنیت با نظر خاص بر حق وتو

چکیده

اصلاحات در شورای امنیت که یکی از ارکان اجرایی و مهم سازمان ملل متحد است ذهن حقوقدانان بیشماری را به خود مشغول کرده است و تاکنون اقدامات مختلفی در این رابطه انجام شده است. این اقدامات از فعالیت های غیر رسمی مانند نگاشتن کتب و مقالات مختلف آغاز شده و به طرح عملی انجام گرفته توسط سازمان ملل متحد ادامه پیدا کرده است. از آنجایی که طرح اصلاحات در شورای امنیت همچنان بر روی میز مذاکرات و تفکرات حقوقدانان مختلف جهان وجود دارد، بر آن شدم تا با نگارش این پایان نامه، ضمن جمع آوری آرای مختلف ارائه شده به تحلیل موضوع و بیان دیدگاه های خود در این زمینه پردازم.

لذا در ابتدا با یک سوال کلی وارد طرح مبحث شدم: آیا شورای امنیت ناکارآمد است و نیاز به اصلاح دارد؟ پس از بررسی های مختلف به ناکارآمدی آن پی برده و طرح های اصلاحی را مطرح نمودم. در نهایت، ضمن بررسی طرح های مختلف ارائه شده، طرح پیشنهادی خود را که بر دو قسمت استوار بود، ارائه نمودم: الف) تعیین مصادیق جهت استفاده از وتو و محدود شدن استفاده از آن. ب) دادن نقش مهمتر به کشورهای منطقه های مختلف تا به صلح و امنیت بین المللی کمک های شایانی شود.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱
فصل اول: وضعیت فعلی شورای امنیت و ضرورت انجام اصلاحات.....	۱
بخش اول: تعریف اصلاحات.....	۲
قسمت اول: اصلاحات در معنای عام و حقوقی.....	۲
قسمت دوم: اصلاحات در سند موسس.....	۳
قسمت سوم: تفاوت اصلاحات و تجدیدنظر.....	۹
قسمت چهارم: بررسی مواد ۱۰۸ و ۱۰۹ منشور ملل متحد.....	۱۱
بخش دوم: سازمان و آیین کاری تصمیم‌سازی در شورای امنیت.....	۱۴
قسمت اول: ترکیب شورای امنیت.....	۱۷
قسمت دوم: اعضای غیردائم شورای امنیت.....	۲۳
قسمت سوم: اعضای دائم شورای امنیت.....	۲۷
قسمت چهارم: آیین رای‌گیری در شورای امنیت.....	۲۹
قسمت پنجم: جریان تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری.....	۳۲
بخش سوم: ضرورت انجام اصلاحات.....	۳۸
قسمت اول: بررسی تئوریک.....	۳۸
قسمت دوم: بررسی عملی.....	۵۷
قسمت سوم: جمع‌بندی.....	۷۶
فصل دوم: انواع اصلاحات متصور در شورای امنیت.....	۸۰
بخش اول: پیشنهادات در مورد اصلاح اعضای غیردائم.....	۸۱
قسمت اول: دیدگاه کشورهای آسیایی.....	۸۲
قسمت دوم: هیئت عالی‌رتبه سازمان ملل متحد.....	۸۳
قسمت سوم: سایر پیشنهادات.....	۸۵
قسمت چهارم: نتیجه‌گیری.....	۸۷
بخش دوم: پیشنهادات در مورد اصلاح اعضای دائم.....	۹۰
قسمت اول: تحولات سال ۱۹۹۲.....	۹۴
قسمت دوم: تحولات سال ۱۹۹۷.....	۹۴

۹۲	قسمت سوم: تحولات سال ۲۰۰۲
۹۳	قسمت چهارم: تحولات سال ۲۰۰۳
۹۳	قسمت پنجم: تحولات سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵
۹۷	قسمت ششم: نتیجه گیری
۱۰۰	بخش سوم: پیشنهادات در مورد اصلاحات آیین رای گیری
۱۰۰	قسمت اول: استمهال حق وتو
۱۰۰	قسمت دوم: افزایش آرای منفی جهت تلقی وتو
۱۰۱	قسمت سوم: از بین بردن جمعی وتو
۱۰۱	قسمت چهارم: سیستم کیفی رای گیری
۱۰۲	قسمت پنجم: محدودیت نمودن استفاده از وتو
۱۰۲	بخش چهارم: ارائه پیشنهاد در مورد اصلاح حق وتو
۱۰۹	نتیجه گیری
۱۱۲	جداول
۱۱۸	فهرست جزئیات
۱۲۱	منابع

مقدمه

دوران جنگ‌های خانمان‌سوز بشری با دو جنگ جهانی اول و دوم به اوج خود رسید. تمام تلاش‌های بشری برای محدود نمودن یا پایان دادن به جنگ‌ها تا حد زیادی به ثمر ننشسته است اما بشر از تلاش خود در این زمینه دست برنداشته. البته فعالیت‌های بشر عواقب مثبتی را به همراه داشته است که نادیده انگاشتن آنها دور از انصاف است.

با کمی دقت و ریشه‌یابی، به خوبی درک می‌کنیم که تلاش‌های بشر برای اعاده بنا حفظ صلح بوده است. صلح یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های بشر در قرون متمادی بوده و هست. تحقق آن در شرایط مختلف جامعه بین‌المللی، متفاوت بوده است. در زمان ایجاد معاهدات دوجانبه، توسل به آنها مطلوب‌ترین ابزار بود و بعدها به سمت معاهدات چندجانبه و کنفرانس‌ها رفتند. برگزاری کنفرانس‌ها و کنگره‌ها به سرعت افزایش یافت و باعث ایجاد

قواعد و توسعه آنها شد. از جمله آنها کنگره صلح ۱۸۱۵ وین بود که کشورها در آن پیگیر حل اختلافات، ایجاد صلح و تعادل قوا بودند.

این فعالیت‌ها در ابتدای قرن بیستم به اوج خود رسید و باعث ایجاد سازمان‌هایی با اهداف صلح‌جویانه شد. نظامندترین اقدامات کشورها به ایجاد و تاسیس سازمان ملل متحد در ۱۹۴۵ انجامید. این سازمان، سازمانی است که هدف اصلی خود را حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تعیین کرد و برای دستیابی به آن از ابزارهای متعدد و متنوعی بهره می‌جوید. شاید بتوان اقدامات این سازمان را در چند دسته خلاصه نمود:

۱- تاسیس نهادهای مسئول صلح: سازمان ملل متحد برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی، ساختارهایی را بوجود آورد که به ترتیب اولویت می‌توان بدین شرح از آنها نام برد: الف) شورای امنیت: رکن اجرایی سازمان که وظیفه ابتدایی حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد. از آنجا که سازمان به غیر از این رکن، هیچ رکن اجرایی دیگری ندارد، لذا اقدامات این شورا می‌تواند نقش موثری در حفظ یا اعاده صلح داشته باشد یا حداقل باعث برداشتن اولین گام‌ها در این زمینه گردد. ب) مجمع عمومی: مجمع عمومی که رکن فراگیر سازمان است، شاید مطابق منشور ملل متحد وظیفه ابتدایی حفظ صلح را بر عهده نداشته باشد، اما حضور تمامی کشورهای عضو سازمان ملل متحد که اصالتاً با هدف حفظ صلح و امنیت گردهم آمده‌اند، باعث ایجاد این وظیفه برای این رکن نیز شود اما به علت

جلوگیری از تداخل در اجرای وظایف یا اقدامات و همچنین برای جلوگیری از تأثیرات سوء اقدامات چندگانه در سازمان، وظیفه ابتدایی حفظ صلح به شورا سپرده شده و شورا می‌تواند از مجمع عمومی درخواست همکاری نماید. البته در برخی موارد نیز مجمع به دلایلی مانند عدم توانایی شورای امنیت در تصمیم‌گیری در موضوع خاص، مستقیماً در این فرآیند مداخله می‌نماید. (ج) شورای اقتصادی و اجتماعی: این شورا یکی از بازوهای تخصصی- مشاوره‌ای سازمان است که می‌تواند با برنامه‌ریزی و ارائه پیشنهادات یا راهکارهای مختلف، باعث ایجاد تفاهم در عرصه‌های مختلف، یکسان نمودن دیدگاه‌ها و در نهایت حفظ صلح گردد. در مجموع ساختار سازمان ملل متحد، بگونه‌ای طراحی شده است که با همکاری و مساعدت ارکان و اعضاء، فرآیند حفظ یا اعاده صلح جریان مناسبی پیدا کرده و با طراوت همیشگی به پیش رود.

۲- تدوین مقررات راجع به صلح: در منشور ملل متحد که سند موسس سازمان است، راهکارهای مختلفی برای حفظ و اعاده صلح بکار گرفته شده است که این راهکارها یا کلی هستند (یعنی بدون توجه به رکن عمل کننده) مانند اینکه در مقدمه منشور ملل متحد چنین می‌خوانیم: «به تساهل و مدارا کردن و زیستن در حال صلح با یکدیگر و با یک روحیه حسن همجواری و به متحد ساختن قوای خود برای نگاهداری صلح و امنیت بین‌المللی و به قبول اصول و ایجاد روش‌هایی که عدم استعمال نیروی سلاح‌ها را جز در راه منافع مشترک تضمین نماید». یا

جزیی هستند (با توجه هر رکن، راهکاری متناسب با آن مطرح شده است) مانند آنچه که در فصل ششم و هفتم منشور ملل متحد در مورد وظایف شورای امنیت آمده است.

۳- اقدامات به موجب اسناد جانبی: اسنادی که به همت و تلاش سازمان ملل متحد ایجاد شده و حاوی نکاتی برای یکسو نمودن دیدگاه‌های بین‌المللی و در نتیجه باعث حفظ یا اعاده صلح شوند مانند قطعنامه ۹۵ مجمع عمومی مورخ ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ در مورد اصول کلی حقوق بین‌الملل، می‌توانند نقش موثری در حفظ و اعاده صلح داشته باشند.

حال در فرآیند حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی در عمل، شرایط و اوضاع ممکن است تا حدی با آنچه که در مسائل تئوری و متن منشور ملل متحد می‌خوانیم، متفاوت باشد. از آنجا که مهمترین رکن عمل‌کننده شورای امنیت است، در این پایان‌نامه سعی شده است وضعیت شورا در فرآیند حفظ صلح سنجیده شده و میزان توفیق این رکن بررسی شود. در بررسی‌های انجام شده، نحوه تغییرات احتمالی در شورا را برای هرچه موثرتر نمودن فعالیت‌هایش در حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌گیرد.

در این پایان‌نامه سعی شده است که به دو سوال کلی پاسخ داده شود: اول، آیا انجام اصلاحات در آیین رای‌گیری شورای امنیت ضرورت دارد؟ و دوم، در صورت مثبت بودن

پاسخ سوال اول، چه پیشنهاد جدیدی می‌توان برای موثرتر شدن فعالیت‌ها و اقدامات شورای امنیت در عرصه جهانی، مطرح نمود؟

برای بررسی این موارد بهتر است بحث را ریشه‌ای تر دنبال نماییم و ابتدائاً تعریفی از اصلاحات ارائه دهیم. بعد از بررسی مفهوم اصلاحات در شورای امنیت، به سراغ یافتن دلایل نظری و عملی برای انجام یا عدم انجام اصلاحات در شورای امنیت رفته‌ایم. این موارد در فصل اول با عبارت «کلیات» بررسی شده است. برای ورود به بحث اصلی، به جز ارائه تعریف از اصلاحات و بررسی ضرورت اصلاحات در شورای امنیت، در همین بخش اصلاحات مختلف مطرح شده در شورای امنیت را به صورت مختصر مطرح نمودیم تا در بخش‌های بعد بتوانیم با تفکری منسجم‌تر وارد مطلب شویم.

با توجه به دلایل نظری و عملی که در مورد ضرورت اصلاحات در شورای امنیت وجود دارد و انجام اصلاحات را توجیه می‌نمایند، حال باید دید اصلاحات مختلف مدنظر در کدام بخش از شورای امنیت قابلیت اجرا دارد؟ در این مورد، باید ابتدائاً ساختار شورای امنیت را مورد مطالعه قرار دهیم و بعد از آن به سراغ اصلاحات در هر بخش رویم. در فصل دوم با عبارت «انواع اصلاحات متصور در شورای امنیت» به سه دسته اصلاحات کلی و تاثیرگذار در شورای امنیت پرداختیم. اصلاحات در اعضای دائم شورا، اصلاحات در اعضای غیردائم شورا و در نهایت اصلاحات در آیین رای‌گیری شورای امنیت.

در فصل دوم به بررسی پیشنهادات مختلف و جزئیات آنها در زمینه اصلاحات اعضای
دایم، غیردایم و آیین رای گیری می پردازیم. در اینجا، بعد از اینکه آیین رای گیری را مورد
مطالعه دقیق قرار دادیم و انواع رای گیری در شورای امنیت را بررسی نمودیم، به سراغ حق
وتو رفته و به بررسی ضرورت انجام اصلاحات در این نوع رای گیری در شورای امنیت
پرداختیم. دلایل نظری و عملی متعددی برای انجام اصلاحات در آیین رای گیری شورای
امنیت مطرح می باشند که عبارتند از: الف) گذشت زمان. ب) قانون محوری. ج) نقش
اجتماعی. د) دموکراتیک نمودن تصمیمات شورای امنیت. ه) بی تأثیری تصمیمات شورای
امنیت. در نهایت بعد از بررسی پیشنهادات مختلف در مورد اصلاحات در شورای امنیت، به
ارائه پیشنهاد خود در باب اصلاحات آیین رای گیری و مشخصاً حق وتو پرداختیم. پیشنهاد
منطقه گرایی را با تفصیلی که در قسمت دوم از بخش چهارم از فصل دوم و با عبارت «ارائه
پیشنهاد در اصلاح حق وتو» آمده است، مطرح نمودیم.

والسلام علی من اتبع الهدی

فصل اول: وضعیت فعلی شورای امنیت و ضرورت انجام

اصلاحات

بخش اول: تعریف اصلاحات

قسمت اول: اصلاحات در معنای عام و حقوقی

اصلاح^۱ در لغت به معنی به کردن، نیک کردن، بسامان کردن و سازش دادن است.^۲ هرگونه تغییر قطعی و تجدیدنظر نسبت به اصل و خالص هر چیز را گویند. اصلاح معمولاً با انقلاب^۳ متفاوت است. زیرا انقلاب هرگونه تغییر اساسی، جدی و بنیادین را گویند. اصلاح تغییراتی در حیطه سیستم موجود است و می‌توان از آن به تغییرات درونی یک سیستم تعبیر نمود.^۴ به عنوان مثال، ممکن است عده‌ای در پی از بین بردن سیستم فعلی حاکم بر جامعه بین‌المللی و نشانیدن سیستم دیگری به جای آن باشند که از این امر به انقلاب تعبیر می‌شود لیکن عده‌ای دیگر ممکن است صرفاً به دنبال ایجاد تغییراتی درون این سیستم باشند که منظور ما از اصلاحات همین معنا است. این عبارت می‌تواند در بخش‌های مختلفی مانند مسائل سیاسی، حقوقی، مذهبی و غیره بکار گرفته شود. بحثی که از این به بعد خواهد آمد، مربوط به اصلاحات در بخش حقوقی است.

^۱ Reform

^۲ فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، جلد اول، چاپ هفتم، ۱۳۶۴، صفحه ۲۹۳.

^۳ Revolution

^۴ <http://en.wikipedia.org/wiki/Reform>

قسمت دوم: اصلاحات در سند موسس

سند موسس سازمان بین‌المللی مخلوقی حقوقی است و اغلب جایگاه ویژه‌ای در حقوق بین‌الملل برای آن تصور می‌شود. از یک دیدگاه، این اسناد معاهداتی هستند که میان نمایندگان صاحب صلاحیت کشورهای مختلف منعقد می‌شوند و از این جهت هیچ تفاوتی با سایر معاهدات ندارند.^۱ بنابراین، عده‌ای معتقدند که این اسناد صرفاً موضوع حقوق معاهدات هستند.^۲

اما این اسناد موسس، معاهداتی معمولی نیستند: آنها سازمانی بین‌المللی را ایجاد می‌نمایند و از اینرو است که بسیاری از نویسندگان تمایل دارند به این معاهدات وضعیت ویژه‌ای اعطاء نمایند که باعث اجرا قواعد خاصی در موردشان شود. در برخی شرایط، اجرای قواعدی متفاوت نسبت به معاهدات موسس سازمان‌های بین‌المللی، منجر به این نتیجه می‌شود که این اسناد جایگاه ویژه‌ای در حقوق بین‌المللی پیدا نمایند.^۳ همانطور که زاکلین بیان داشت، اسناد موسس دارای «عنصر ارگانیک-سازمان‌دهنده» هستند که باعث تمایز آنها از سایر معاهدات چندجانبه شده و بر نحوه عملکرد آنها تاثیر می‌گذارد.^۴

از دیدگاه نظری، این ادعا که اسناد موسس تا حدی از معاهدات عادی متفاوتند اولاً بسیار پیچیده است و ثانیاً اثبات آن دشوار است؛ نویسندگان اغلب خود را محدود به بررسی مسائلی کرده‌اند که در

^۱ Jan Klabbbers, 'The Concept of Treaty in International Law' (The Hague, 1996), pp. 182- 187.

^۲ Jan Klabbbers, *An introduction to institutional law* (1st Edition, Cambridge University Press 2002), p. 82.

^۳ Shabtai Rosenne, 'Is the Constituent Instrument of an International Organization an International Treaty?' in his *Developments in the Law of Treaties 1945-1986* (Cambridge, 1989), 181-258.

^۴ Jan Klabbbers, *An introduction to institutional law*, p, 82.

عمل اسناد موسس سازمان‌ها از معاهدات متمایز می‌گردند. اصلاح و تعدیل آنها بر عهده ارکان صالح و مقتضی است؛ و اغلب بر اساس اهداف سازمان تفسیر می‌شوند. برخی نیز تفاوت اسناد موسس را در اهداف مشترک مورد نظرشان می‌دانند: بنابراین، ویژگی اسناد موسس بوسیله شرایطی که قدرت‌ها برای رسیدن به اهداف مشترکشان بکار می‌گیرند، تعیین می‌شوند و نه مانند سایر معاهدات بر اساس اهدافی که در موردشان توافق وجود دارد.^۱

اصلاح در سند موسس یک سازمان بین‌المللی معمولاً به دو علت اتفاق می‌افتد: اول تجربیاتی که در طول سالیان اجرای آن سند بدست آمده است و دوم تغییراتی که برای پیشرفت آن سازمان اتفاق می‌افتد.

ممکن است قواعد مربوط به اصلاح یک سند موسس به صراحت در آن سند آمده باشد. در سازمان‌هایی مانند ناتو و اتحادیه ارتباطات بین‌المللی هیچ مطلبی در مورد اصلاح یافت نمی‌شود. اما در منشور ملل متحد قواعد اصلاحات را می‌توان در ماده ۱۰۸ و ۱۰۹ یافت.^۲

اغلب روش‌های اصلاح در اسناد موسس سازمان‌های مختلف یکسان هستند. اما اختلاف در ملتزم بودن کشورهای عضو یک سازمان نسبت به اصلاحات انجام گرفته در آن سازمان است. کشورهای عضو در انتخاب دو امر مختارند: الف) به اجرای اصلاحات انجام شده متعهد باشند و آثرا مانند سند

^۱ Eric Suy, 'The Constitutional Character of Constituent Treaties of International Organizations and the Hierarchy of Norms', in Ulrich Beyerlin, (Berlin, 1995), 267-77.

^۲ C. F. Amerasinghe, p. 448.

اصلی تلقی نمایند. ب) خروج از سازمان و عدم پذیرش اصلاحات انجام گرفته.^۱ ماده ۲۶ میثاق جامعه ملل مقرر می‌دارد زمانی اصلاحیه الزام‌آور خواهد شد که بوسیله تمام اعضای شورا و اکثریت اعضای مجمع به تصویب برسد اما کشورهایی را که مخالف آن هستند، ملزم نمی‌نمایند و از آن به بعد، کشورهای مخالف دیگر عضو سازمان نخواهند بود.^۲

زمانیکه در سند موسس یک سازمان قواعدی در مورد اصلاحات یافت می‌شود، باید بر اساس آنها عمل شود. اما زمانیکه قاعده‌ای در سند موسس به چشم نمی‌خورد، می‌توان از عرف بین‌المللی برای انجام اصلاحات استفاده نمود. با توجه به ماده ۵ کنوانسیون حقوق معاهدات وین ۱۹۶۹، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در اینجا ماده ۴۰ این کنوانسیون در مورد سازمان‌ها نیز قابل اجرا است.^۳ این ماده نشانگر عرف بین‌المللی است. ماده ۴۰ این کنوانسیون در سال ۱۹۶۵ و در حالیکه شرف تصویب بود، مدون عرف بین‌المللی نیز بود. البته وجود چنین ماده‌ای، اشکالاتی را نیز در جریان لازم‌الاجرا شدن اصلاحات اسناد موسس سازمان‌های بین‌المللی ایجاد می‌نماید. به عنوان مثال، زمانیکه اصلاحات در مورد نحوه رای‌گیری در یک سازمان باشد، چگونه می‌توان دو سیستم متفاوت را در آن سازمان به اجرا گذارد؟ بدین معنی که اصلاحات میان برخی از کشورها اجرایی شود و میان برخی دیگر اجرا نشود و در این صورت سند موسس از کار خواهد افتاد. برخی اسناد موسس مانند فائو و سند موسس سازمان کشورهای آمریکایی با چنین مشکلی روبرو شدند. آیا می‌توان از این مسائل

^۱ *Ibid*, p. 449.

^۲ The Covenant of the League of Nations, Art. 26.

^۳ C. F. Amerasinghe, p. 451.

چنین نتیجه گرفت که به علت ویژگی و ماهیت خاص و متفاوتی که اسناد موسس سازمان‌ها نسبت به اسناد چندجانبه بین‌المللی دارند، نمی‌توان قاعده عرفی که در ماده ۴۰ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در مورد معاهدات مدون شده است را برای آنها نیز مجری دانست^۱؟

نتیجه ابتدایی این است که در صورت نبود قواعدی در مورد اصلاحات در سند موسس، این سند قابل اصلاح نیست و در این صورت، فقط زمانی که تمام کشورهای عضو با آن اصلاحیه موافقت نموده باشند، می‌توان آن اصلاحیه را مجری دانست و اگر اکثریت ساده یا خاصی با اصلاحیه موافق بودند، در این صورت کشورهایی که با آن مخالفند دیگر عضو سازمان تلقی نخواهند شد. البته به نظر می‌رسد ایده اخیر با اصل رضایت چندان سازگار نیست.^۲

آمراسینگ معتقد است که هیچ عملکردی برای حل چنین مشکلی وجود ندارد. از طرفی، اصل رضایت مطلق (موافقت همه کشورهای عضو) با اصل برابری کشورها همسان است. از طرف دیگر، هیچ مدرکی برای عدم اجرای ماده ۴۰ کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات وین وجود ندارد. این کنوانسیون در برخی مواد دیگر خود و در وضع برخی قواعد دیگر، سازمان‌های بین‌المللی را استثناء نموده است اما در مورد ماده ۴۰ چنین فرضی را متصور نشده است.

شاید تنها راه چاره توسل به بند ۳ ماده ۲۰ کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ وین باشد که چنین می‌گوید: «در موردی که معاهده سند تاسیس یک سازمان بین‌المللی باشد، تحدید تعهد منوط به قبول

¹ *Ibid*, p.452.

² *Ibid*, p. 453.

ارکان ذیصلاح آن سازمان است، مگر این که معاهده ترتیب دیگری را مقرر کرده باشد». بنابراین، این ماده می‌تواند در مورد سازمان‌های بین‌المللی اجرا شود.^۱

نوع دیگری از اصلاحات که در یک سند موسس سازمان ممکن است اتفاق افتد، اصلاحات غیررسمی است. معمول است ادعا شود که عملکرد اعضای یک اساسنامه، تا حدی با متن و تعهدات مندرج در آن متفاوت است و این عملکرد به عنوان جانشینی برای اصلاحات رسمی در اساسنامه تلقی می‌شود. گاهی اوقات تعیین مرز میان تفسیر و خروج از قاعده‌ای در اساسنامه یک سازمان چندان کار ساده‌ای نیست. آنچه که ممکن است به نام تفسیر اتفاق افتد، همان اصلاحات در اساسنامه است. اصلاحات غیررسمی یا دی‌فاکتو یکی از روش‌های معمول جایگزین اصلاحات رسمی است. برای لازم‌الاجرا شدن این قواعد، از منتسب کردن آن به موافقت ضمنی یا عرف بین‌المللی سخن به میان می‌آید. بر اساس این نظریه، صرف عملکرد برخی از اعضا یا رکنی از ارکان سازمان، برای چنین تلقی کافی نیست بلکه باید مقبولیت عام نیز پیدا نماید. اعتبار چنین اقداماتی توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در رای نامیبیا در رابطه با بند ۳ ماده ۲۷ منشور ملل متحد تایید شد.^۲ می‌توان بر اساس تحلیلی منطقی تایید کرد که چنین اصلاحی مانند بدست آوردن اکثریت کیفی است.^۳ در ماده ۳۸ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد حقوق معاهدات چنین آمده بود: «یک معاهده می‌تواند با رفتارهای

¹ Simma, Bruno, *The charter of the United Nations* (1st published, Oxford university press 1995), p. 1166.

² *SOUTH WEST AFRICA CASES (Namibia v. SOUTH AFRICA) (JUDGMENT)* [1966] ICJ pp. 36- 47.

³ Bruno Simma, p. 1167.